

درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱ آبان ۱۳۹۲

موضوع کلی: استعمال

موضوع جزئی: مطلب چهارم: استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد (مقام اول - امکان)

مصادف با: ۱۷ ذی الحجه ۱۴۳۴

جلسه: ۲۴

سال: پنجم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

بحث در ادله امتناع استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد بود، عرض کردیم چند دلیل بر امتناع اقامه شده، این ادله توسط مرحوم آخوند و اتباع ایشان یعنی اعلام ثلاثه (محقق نائینی، محقق اصفهانی و محقق عراقی) ذکر شده که ما این ادله را ذکر و مورد بررسی قرار خواهیم داد. مرحوم آخوند ابتدائاً مسئله امکان و امتناع استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد را بر حقیقت استعمال مبتنی می‌کند و می‌گوید اگر ما استعمال را عبارت از علامیت بدانیم در این صورت استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد ممتنع نخواهد بود ولی اگر استعمال را عبارت از افناء اللفظ فی المعنی بدانیم یا به عبارت دیگر حقیقت استعمال را مرآتیت بدانیم در این صورت استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد ممتنع خواهد بود که تفصیل آن در جلسه گذشته بیان شد.

دلیل محقق خراسانی:

چرا اگر استعمال را عبارت از افناء اللفظ فی المعنی بدانیم و حقیقت استعمال را مرآتیت بدانیم باید قائل به امتناع استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد بشویم؟

به نظر مرحوم آخوند اگر بخواهیم لفظ واحد را در دو معنی استعمال کنیم موجب می‌شود دو لحاظ آلی در لفظ واحد اجتماع کنند و اجتماع دو لحاظ آلی در لفظ واحد محال است.

نکته: باید به این نکته توجه داشته باشید که در دلیل مرحوم آخوند مشکل در رابطه با خود لفظ است، یعنی به نظر ایشان اجتماع دو لحاظ آلی در خود لفظ محال است ولی در دلیل محقق نائینی که بعداً به آن اشاره خواهیم کرد، ایشان هم استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد را ممتنع دانسته و دلیل این امتناع را اجتماع دو لحاظ آلی می‌دانند ولی این اجتماع ناظر به خود لفظ نیست بلکه ناظر به معناست لذا در دلیل محقق خراسانی در مورد امتناع استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد، همه توجه به لفظ است، یعنی استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد منجر به اجتماع دو لحاظ آلی در لفظ خواهد شد.

حال باید معلوم شود چرا استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد موجب اجتماع دو لحاظ آلی در لفظ می‌شود؟

در پاسخ به این سؤال سه تقریب از کلام محقق خراسانی بیان شده:

تقریب اول:

وقتی می‌گوییم استعمال عبارت از افناء اللفظ در معناست به این معناست که وقتی متکلم لفظ را استعمال می‌کند لفظ را در معنی فانی می‌کند، شاهد این مطلب هم این است که حسن و قبح معانی به الفاظ سرایت می‌کند، یک لفظی زشت می‌شود چون معنای آن زشت است، یک لفظی هم زیبا می‌شود چون معنای آن زیباست و گرنه خود لفظ فی نفسه حسن و قبحی ندارد. حال اگر لفظ فانی در معنی شد معلوم می‌شود معنی به لحاظ استقلالی مورد لحاظ قرار می‌گیرد و لفظ به لحاظ آلی؛ یعنی لفظ آلت و ابزار برای توجه به معنی می‌باشد.

پس اگر ما استعمال را عبارت از افناء اللفظ فی المعنی بدانیم به این معناست که همه توجه به معناست و معنی ملحوظ به لحاظ استقلالی و لفظ ملحوظ به لحاظ تبعی است؛ چون همه مقصود و هدف معناست و متکلم می‌خواهد معنی را به ذهن شنونده منتقل کند لکن برای این کار از ابزاری به نام لفظ استفاده می‌کند.

حال در جایی که بخواهیم از یک لفظ دو معنی را اراده کنیم، دو لحاظ استقلالی به معنی متوجه می‌شود لذا باید دو لحاظ آلی و تبعی هم به لفظ متوجه شود، وقتی گفته می‌شود «رأیت عیناً» طبق این بیان متکلم می‌خواهد لفظ «عین» را یک بار ابزار و آلت برای انتقال به معنای «عین جاریه» قرار دهد و یک بار دیگر همین لفظ را ابزار برای انتقال به معنای «عین باکیه» قرار دهد، پس وقتی می‌گوییم استعمال افناء اللفظ فی المعنی است به این معناست که لحاظ معنی، استقلالی و لحاظ لفظ، تبعی است، حال اگر معنی دو تا شد یعنی دو لحاظ استقلالی به آن تعلق گرفته و هر لحاظ استقلالی محتاج یک لحاظ آلی است لذا دو لحاظ آلی هم باید به لفظ تعلق بگیرد و این منجر به اجتماع دو لحاظ تبعی در لفظ واحد خواهد شد که محال است؛ چون معنای فناء این است که لفظ در معنی فانی شود، وقتی لفظ در استعمال در معنای اول خودش فانی شد چیزی باقی نمی‌ماند تا برای بار دوم بخواهد در معنای دوم فانی شود، پس اگر استعمال عبارت از افناء اللفظ فی المعنی باشد در این صورت وقتی لفظ در معنای اول فانی شد ممکن نیست دوباره در معنای دوم فانی شود چون چیزی وجود نخواهد داشت تا در معنای دوم فانی شود، پس معنای استحاله اجتماع دو لحاظ آلی در لفظ واحد این است که اگر لفظ بخواهد در دو معنی استعمال شود به این معنی خواهد بود که دو لحاظ استقلالی وجود دارد که به دو معنی تعلق گرفته و هر لحاظ استقلالی هم محتاج یک لحاظ آلی و تبعی است لذا باید دو لحاظ آلی هم وجود داشته باشد تا به لفظ تعلق گرفته باشد و این محال است.

پس تقریب اول این است که محال بودن اجتماع دو لحاظ آلی در لفظ واحد به خاطر این است که وقتی استعمال را عبارت از فناء لفظ در معنی دانستیم، یک لفظ نمی‌تواند در دو معنی فانی شود، چون وقتی لفظ در معنای اول فانی شد چیزی باقی نخواهد بود تا برای مرتبه دوم در معنای دوم فانی شود.

بررسی تقریب اول:

این تقریب تمام نیست و دو اشکال متوجه آن است:

اشکال اول:

استعمال عبارت از افناء اللفظ فی المعنی نیست. اگر به خاطر داشته باشید در ابتدای بحث از استعمال در رابطه با حقیقت استعمال بحث کردیم و انظار و آراء مختلف را در این رابطه ذکر کردیم و در آنجا اثبات کردیم که استعمال عبارت از افناء اللفظ فی المعنی نیست، پس اینکه بخواهیم استعمال را به افناء اللفظ فی المعنی تفسیر کنیم صحیح نیست.

آنچه هم که مرحوم آخوند به عنوان شاهد بر مدعای خود قرار داد که حسن و قبح از معانی به الفاظ سرایت می‌کند مورد اشکال است، درست است که حسن و قبح معانی رنگ و لعابی به الفاظ می‌دهد ولی این گونه نیست که الفاظ خودشان فی نفسه حسن و قبح نداشته باشند، شاهد بر این مطلب هم این است که اهل خطابه در انتخاب واژه‌ها و الفاظ برای تفهیم مقاصد خود دقت می‌کنند، حتی چه بسا در انتخاب الفاظ مترادفی که یک معنی را افاده می‌کنند مثل لفظ «انسان» و «بشر» که هیچ فرقی هم با هم ندارند دقت کنند و در یک جایی به جهاتی از لفظ «انسان» و در جای دیگر از لفظ «بشر» استفاده کنند و این به خاطر خصوصیتی است که در خود لفظ است لذا معلوم می‌شود خود الفاظ فی نفسه دارای حسن و قبح و مورد توجه هستند، پس این گونه نیست که لفظ فانی در معنی شود و اصلاً به آن توجهی نشود، پس اینکه در انتخاب واژه‌ها و بکار بردن آنها دقت می‌شود حاکی از این است که لفظ فانی در معنی نیست و خود لفظ مورد توجه و التفات است و همین مقدار برای اثبات مدعای ما که گفتیم استعمال عبارت از افناء اللفظ فی المعنی نیست، کفایت می‌کند. بله حسن و قبح معنی در لفظ هم تأثیر می‌گذارد و باعث سرایت آن حسن و قبح به لفظ می‌شود ولی این بدان معنی نیست که خود لفظ کآن لم یکن و فانی در معنی تلقی شود.

اشکال دوم:

بر فرض که قبول کنیم استعمال عبارت از افناء اللفظ فی المعنی است اما مشکل این است که گویا گمان شده این فناء یک فناء حقیقی است (از نوع فنائی که صوفیان یا عارفان به آن معتقدند)، بله در فناء حقیقی، فانی بعد از فناء هیچ چیزی نیست تا بخواهد برای بار دوم فناء شود اما فناء در اینجا (فناء لفظ در معنی) اعتباری است به این معنی که وقتی لفظ در معنایی استعمال می‌شود به خود لفظ توجهی نمی‌شود یعنی همه توجه به معناست و به خود لفظ التفات و توجهی نمی‌شود، در این صورت که منظور از فناء لفظ در معنی، فناء اعتباری باشد استحاله‌ای متوجه استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد نخواهد شد؛ چون اشکالی ندارد که یک لفظ یک بار در یک معنی فانی شود و بار دوم هم در معنای دوم فانی شود و هیچ استحاله‌ای از آن لازم نخواهد آمد لذا اشکالی ندارد که یک لفظ هم زمان در دو معنی استعمال شود و منظور از استعمال هم فناء لفظ در هر دو معنی باشد.

سؤال: چگونه ممکن است انسان در آن واحد از یک لفظ دو معنی را اراده کند؟

استاد: هیچ اشکالی ندارد که انسان در آن واحد دو معنی را از لفظ واحد اراده کند و منظور از استعمال هم افناء اللفظ فی المعنی باشد؛ چون منظور از فناء در اینجا فناء اعتباری است نه حقیقی. توجه داشته باشید سخن در امکان و امتناع است نه در جواز و اینکه آیا این استعمال از دید عرف و لغت جایز است یا نه؟ چه بسا قائل به امکان شویم ولی بگوییم عرف و لغت اجازه چنین کاری به ما نمی‌دهد. لذا هیچ محالی از استعمال لفظ واحد در اکثر از معنای واحد لازم نمی‌آید، همان گونه که اگر استعمال را عبارت از علامت بدانیم اشکال ندارد که یک لفظ هم زمان علامت برای دو معنی باشد، البته علی رغم اینکه مرحوم آخوند فرموده اگر استعمال را علامت برای معنی قرار دهیم اشکالی ندارد که لفظ واحد در دو معنی استعمال شود و هیچ محالی هم بر آن مترتب نمی‌شود ولی محقق اصفهانی از بعضی بزرگان نقل می‌کند در این صورت هم ممکن نیست یک لفظ علامت برای دو معنی باشد که بعداً به کلام ایشان اشاره خواهیم کرد.

نتیجه: تقریب اول از کلام مرحوم آخوند در بیان استحاله استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد تمام نیست.

خلاصه: اصل ادعای مرحوم آخوند این بود که استعمال لفظ واحد در اکثر از معنای واحد محال است چون مستلزم اجتماع دو لحاظ آلی در لفظ واحد می‌شود که محال است، گفتیم کلام ایشان چند تقریب دارد؛ تقریب اول این است که بگوییم منظورشان این است که امکان ندارد یک لفظ دو بار در معنی فانی شود، دو اشکال بر این تقریب وارد بود؛ اول اینکه استعمال عبارت از افناء اللفظ فی المعنی نیست و بر فرض هم حقیقت استعمال عبارت از افناء اللفظ فی المعنی باشد این افناء، حقیقی نیست بلکه اعتباری است لذا اشکالی ندارد یک لفظ واحد هم زمان در دو معنی فانی شود.

«والحمد لله رب العالمین»